

تفسیر میثاق در آیه شریفه «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ»

عبدالله موحدی محب *

چکیده

انتظار منجی و ایده آینده بهتر، به عنوان حقیقتی قابل احترام در شرایع آسمانی است. درباره حقیقت انتظار به عنوان پیمانی آسمانی در ذهن و زندگی پیامبران الهی و امت‌های آنان از آغاز تاریخ نبوت در نگاه قرآن، پژوهش درخوری انجام نشده است. بررسی‌های انجام‌یافته بیانگر آن است که توجیه انتظار به صورت جریانی پیوسته در تاریخ نبوت در آیه ۸۱ سوره آل عمران قابل تحقیق است. براساس این آیه بن‌مایه اصلی مقاله حاضر، تبیین فلسفه اصل انتظار به مثابه عامل رشد روانی امت‌ها و تمرین و تحصیل آمادگی هرچه بیشتر در جهت پذیرش وضعیت بهتر در تمامی عصرها و نسل‌ها می‌باشد. حقیقتی که می‌توان از آن به عنوان یکی از علل اساسی پنهان ماندن زمان ظهور منجی در حکمت خداوندی یاد کرد.

واژگان کلیدی

آیه ۸۱ سوره آل عمران، میثاق پیامبران، انتظار، منجی بشریت.

movahhedimoheb@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۲۱

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه کاشان.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱۲

طرح مسئله

بزرگان اندیشه بشری در مورد بشارت به ظهور منجی و تصویر آینده بشریت و جامعه آرمانی در ادیان آسمانی و مکتب‌های زمینی سخن فراوان گفته و درنگ‌هایی درخور، روا داشته و جستجوهای ژرفی را سامان داده‌اند که هر کدام در جای خود، بایسته و ارزشمند است (برای نمونه ر.ک به: زرین‌کوب، ۱۳۶۲: فصل ۱۲؛ طالقانی، ۱۳۴۴؛ مصباح‌یزدی، ۱۳۸۸: ۳۹۵) اما حقیقت این باور، به مثابه اصلی بنیادین در آموزه‌های قرآنی و رهنمودهای پیشوایان معصوم دین علیهم‌السلام بسیار چشمگیرتر می‌نماید، منابع اسلامی، چندان از این مقوله و دیگر مقولات مرتبط با آن سرشار است. آثاری چون: *منتخب الاثر، المهدی عند اهل السنة، المهدی المنتظر عند علماء السنة و الشيعة و ...* که بر پایه آن می‌توان به وجهی اسلام را کیش انتظار قلمداد کرد؛ در میان مذاهب اسلامی آموزه‌های شیعی از برجستگی بیشتری برخوردار است به گونه‌ای که کسی چون هانری کربن فیلسوف و مستشرق معاصر بر پایه همان آموزه‌ها گفته است: به عقیده من تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهیه را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته و به‌طور استمرار و پیوستگی، ولایت را زنده و پا برجا می‌دارد (علم‌الهدی، ۱۳۵۳: ۹۵) بدین روی وی معتقد است که در دنیا یگانه مذهب زنده و اصیل، مذهب شیعه است؛ چراکه قائل به وجود امام زنده است و اساس اعتقاد آن بر این مبنا قرار دارد. (حسینی تهرانی، ۱۴۰۲: ۴۶)

در مورد جستجو و سامان‌دهی آیاتی از قرآن کریم که بر حسب روایات معصومین علیهم‌السلام، گوشه چشمی به مسئله انتظار و مهدویت در جامعه اسلامی دارند یا بدان تأویل شده‌اند نیز آثار فراوانی به قلم بزرگان به نگارش درآمده است که به‌عنوان مسطوره‌ای از این سنخ نوشته‌ها می‌توان کتاب *المحجبه فیما نزل فی القائم الحجة* علیه‌السلام نوشته محدث شیعه، سید هاشم بحرانی م ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ ق را نام برد. بر این منوال نوشته‌های بلند و کوتاه در ذیل عنوان رجعت و مانند آن چندان فراوان است که شمارش و معرفی شمار واقعی آنها آسان نیست. (ر.ک به: آقابزرگ تهرانی، بی‌تا: ۱ / ۹۵ - ۹۰)

با این همه، نسبت به حقیقت انتظار به‌عنوان پیمانی آسمانی در ذهن و زندگی پیامبران الهی و امت‌های آنان از آغاز تاریخ نبوت از نگاه قرآن جستجویی درخور، به نظر نگارنده نرسیده است؛ نوشته پیش رو به صدد طرح مسئله در شعاع بررسی برخی از مضامین مندرج در یکی از آیات شریف قرآنی است. اگر این جستجو را یافته‌ای باشد، همانا طرح ردپای انتظار در تمامی دوره تاریخ نبوت و تأثیر آن در حیات‌آفرینی جامعه بشری به‌مثابه مؤلفه‌ای نیرومند در راستای توانبخشی روانی انسان‌ها در

درازنای تاریخ از نگاه قرآن خواهد بود.

در قرآن کریم آیتی است که به گمان نگارنده به صورتی روشن از جریان حقیقت انتظار و اهمیت آن، به مثابه عاملی بیداری بخش در تمامی امت‌های پیشین پرده برمی‌دارد؛ جریانی که به رغم روشن بودن، به هر دلیل از سوی مفسران مورد توجه جدی قرار نگرفته و بدین روی، ذیل آن آیه، بحث‌های زبانی و نحوی درازدامن و کم‌حاصلی در سایه این تسامح پیش آمده است، بدون آنکه به اصلی‌ترین مضمون آن توجه جدی صورت پذیرد.

خداوند در سوره مبارکه آل عمران آیه ۸۱ می‌فرماید:

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ.

و یاد کن زمانی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت: که آنچه برای شما از کتاب و حکمت آوردم، پس آنگاه پیامبری برایتان آمد که آنچه را با شما است تصدیق کند. البته بدو ایمان آورید و حتماً وی را یاری کنید؛ سپس خداوند فرمود: آیا بر این حقیقت اقرار کردید؟ و عهد مرا پذیرفتید؟ گفتند: [آری] گفت: پس بر این پیمان و پذیرش گواه باشید و من در کنار شما از گواهانم.

پرسش اساسی این است که خدای حکیم را از این میثاق و پیمان چه هدف حکیمانه‌ای منظور بوده است؟ آیه مورد بحث در نگاه مفسران از آیات غریب و دشوار باب قرآن به‌شمار رفته است (حائری تهرانی، ۱۳۳۷: ۲ / ۲۲۵) و بدین روی مباحث نحوی فراوانی را موجب گشته و چه‌بسا پرسش مزبور به زاویه فراموشی رفته است. آیا منظور القاء حقیقت انتظار به‌عنوان پیامی ریشه‌ای نیست؟ و گونه‌ای پرورش روانی از رهگذر رشد آمادگی پیوسته در جهت پذیرش همواره الگوی بهتر و بایستگی گردن نهادن به فرمان پیامبری که هر لحظه، احتمال آمدن او می‌رود؟ اکنون می‌تواند این پرسش تقریری به‌مثابه فرضیه جستجوی حاضر تلقی گردد و در پایان ملاحظه شود تا نتیجه جستجو چیست.

انتظار در ادیان الهی

به گونه اجمال می‌دانیم که در ذهنیت و فرهنگ ادیان پیشین نمودهایی از چنین پیمانی وجود داشته و دارد؛ چنان‌که در کتاب مقدس مسیحیان آمده است: چون یحیی در زندان وصف کارهای مسیح را شنید شاگردان خود را نزد وی فرستاد تا بپرسند: آیا تو همانی که می‌بایست بیاید؟ یا منتظر دیگری

باشیم؟ عیسی در پاسخ گفت: بروید و آنچه را که می‌بینید و می‌شنوید به یحیی بازگویید که کوران بینا می‌شوند، لنگان راه می‌روند، جذامیان پاک می‌گردند، کران شنوا می‌شوند، مردگان زنده می‌گردند و به فقیران بشارت داده می‌شود. خوشا به حال کسی که به سبب من نلغزد. (متی: ۱۱ / ۷ - ۲)؛ (لوقا: ۱۸ / ۲۳) در توراتی که هم اکنون در میان یهودیان است این عبارات دیده می‌شود:

یهوه خدایت نبی‌ای را از میان تو از برادرانت مبعوث خواهد گردانید؛ او را بشنوید موافق هر آنچه در حوریب^۱ در روز اجتماع از یهوه خدای خود مسئلت نموده ... تا آنجا که گوید: نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود من از او مطالبه خواهم کرد. (تورات، سفر تثنیه: ۱۸ / ۲۰ - ۱۵)

بدین منوال در کتاب‌های عهد عتیق از مزامیر و اشعیا و هوشع گرفته تا عاموس و ناحوم و واپسین پیامبر این مجموعه، «ملاکی» و دیگر آثار آن عهد. (ر.ک به: کرینستون، ۱۳۷۷) در تمامی اینها رگه‌هایی روشن و برجسته از انتظار به صورت‌های گوناگون دیده می‌شود. (مزامیر ۲۲ / ۳۱ - ۲۷ و ۵۶ / ۵ - ۲ و ۸۶ / ۱۰ - ۹) نیز (اشعیا: ۴۰ / ۶ - ۳؛ ۴۱ / ۲۸ - ۲۵ و ۴۲ / ۵ - ۱)؛ (عاموس: ۹ / ۱۵ - ۱۱)، (ناحوم: ۱ / ۱۵) و (ملاکی: ۴ / ۶ - ۵). بیان و شرح وجوه افتراق نگاه‌ها نسبت به تصویر انتظار در آثار یادشده از محدوده این نوشته بیرون است.

راز پیمان مورد بحث در آیه

آنچه در اینجا بسیار مهم به نظر می‌رسد این است که برابر گواهی آثار عهد عتیق، پیامبران الهی همواره آتش شوق را در دل‌ها زنده نگه می‌داشتند و گاهی به تصویر آینده‌ای می‌پرداختند که در آن برکت‌های خداوندی همه امت‌های زمین را شامل می‌شود (ر.ک به: کرینستون، ۱۳۷۷: ۲۱، ۲۹ و ۳۲) چرا آنان با جدیت تمام در اندیشه آماده نگه داشتن مردم بودند تا مگر به ناگاه پیامبری تازه با آموزه‌ها و شریعتی فرازین‌تر بیاید و همه از پیامبر تا امت وظیفه پیروی از او را پیدا کنند؟!

۱. حوریب - که در دعای سمات به تصحیف حوریت خوانده شده - نام کوهی است در سمت راست کوه طور در شبه جزیره سینا در شمال دریای سرخ که جایگاه نخستین تجلی الهی بر حضرت موسی علیه السلام است. (جهت آگاهی بیشتر ر.ک به: بلاغی، ۱۳۷۱: ۸۴ و ۱۱۷ - ۱۱۶؛ مدنی کاشانی، ۱۳۱۹: ۴۳ و از همه مفصل‌تر، عاموس کتاب مقدس: ۴۹۹ - ۴۹۸)

در این نوشته برآنیم که از آیه مورد بحث به حقیقتی دست یابیم که به موجب آن آتش شوق به آینده‌ای روشن‌تر تصویری دل‌انگیز را برای پیامبران و امت‌های آنان در تمامی تاریخ پیوند زمینیان با آسمان رقم می‌زند، تا به راز آن پیشگویی‌ها و آماده‌سازی‌ها نزدیک‌تر شویم و آن اینکه نفس انتظار وضعیت بهتر یا بهترین وضعیت، خود از حکمتی والا برخوردار است. آنچه در این درنگ، محور و گرانیگاه اصلی جستجو را تشکیل می‌دهد واکاوی راز پیمانی است که در آیه مطرح شده و در واقع کلیدی‌ترین مفهوم آیه به‌شمار می‌رود؛ یعنی همان تمرین آمادگی و زنده ماندن آتش اشتیاق در تمامی امت‌ها. بدین روی همه سخن ما بر پایه آن می‌چرخد؛ بخش‌های دیگر آیه تفصیل‌های زبانی، نحوی و تفسیری گسترده‌ای را می‌طلبد که باید جداگانه بدان پرداخت.

مفهوم‌شناسی میثاق

واژه میثاق و مَوثِق که به صورت‌های مفرد و مضاف با بسامدی نزدیک به سی بار در آیات قرآن به کار رفته، در اصل به معنای ریسمان محکم یا قیدی است که با آن، شخص اسیر یا حیوانی را به بند می‌کنند. (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۵ / ۱۵۱) و در قرآن به معنای پیمان استوار است؛ زیرا «عهد» به تنهایی معنای پیمان را می‌دهد و میثاق عهد؛ یعنی استوار کردن آن پیمان. (ر.ک به: بقره / ۲۷؛ رعد / ۲۵)

میثاق النبیین

الف) اضافه به فاعل

ترکیب «میثاق النبیین» در آغاز آیه، ممکن است از باب اضافه مصدر به فاعل باشد؛ یعنی: الميثاق الذي وثقه النبيون على امهم: میثاقی که پیامبران از امت‌های خود گرفتند؛ یعنی همان میثاق خدایی که برابر صیغه امر مقدر در آغاز آیه (اذکر) باید مورد یادآوری قرار گیرد. (جناب‌ذی، ۱۳۴۴: ۱ / ۲۷۸؛ قمی مشهدی، ۱۴۱۰: ۳ / ۱۴۴) در این نگاه، آنکه در مرحله نخست و بالذات مورد میثاق قرار می‌گیرد، امت‌ها هستند و پیامبران تنها مأمور رساندن میثاق الهی به مردم تلقی می‌شوند؛ به عبارت دیگر، یک طرف پیمان پیامبران هستند که از سوی خداوند، فرمان رساندن پیام الهی به مردم را دریافت کرده و به مردم ابلاغ داشته‌اند «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ» (مائده / ۹۹) و سوی دیگر مردم قرار می‌گیرند که طرف اصلی پیمان به حساب می‌آیند. می‌توان تصور کرد که گرایش بدین توجیه به لحاظ وجود آیه تهدیدآمیز پس از آن است که می‌فرماید: «فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران / ۸۲) هر آن کس بعد از این پیمان بدان پشت کند، پس هر آینه آنان فاسقان خواهند بود.

و چون احتمال فسق در پیامبران معصوم الهی نمی‌رود، پس آنان نمی‌توانند طرف میثاقی با چنین پیامدی سخت به‌عنوان سپارنده آن باشند.

ب) اضافه به مفعول

نگاه دیگر آنکه ترکیب یاد شده از باب اضافه مصدر به مفعول دیده شود؛ بدین بیان که خداوند پیش از امت‌ها، از خود پیامبران پیمان گرفته است و امت‌ها به‌عنوان تابع در مرحله دوم قرار می‌گیرند. (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۳ / ۳۶۵) در این نگاه یک سوی میثاق، خداوند است که پیمان می‌گیرد و طرف دیگر، پیامبران که گردن به پیمان می‌نهند. برخی از مفسران که این توجیه را پذیرفته‌اند به همان ملاحظه یاد شده در توجیه پیش به تقدیر مضافی بین میثاق و النبیین قائل شده و گفته‌اند: مقصود آن است که طرف میثاق خداوند نه پیامبران بلکه اولاد یا اتباع یا امت‌های آنان می‌باشند، چنان‌که روایاتی هم برای این معنا نقل شده است، (طبرسی، ۱۳۶۷: ۱ / ۱۸۶) بدین صورت که اصل آن بوده است: «و اذ اخذ الله میثاق اولاد النبیین» یا «اتباع النبیین» یا «امم النبیین». (طوسی، ۱۴۳۱: ۲ / ۵۰۴ - ۵۰۳) چه در آیه بعد سخن از امکان تخلف طرف میثاق است و تهدید آنان از سوی خداوند، درحالی‌که پیامبران الهی به دلیل عصمت از ارتکاب چنین خلافی مصون هستند. (ابومسلم اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۵۷؛ صافی، ۱۴۱۱: ۳ و ۴ / ۲۳۱)

نقد و بررسی

به نظر نویسنده همان سان که بزرگان بدان اشاره کرده‌اند وجود تهدید در آیه هرگز نمی‌تواند قرینه‌ای بر لزوم تقدیر یا اضافه مصدر به فاعل باشد؛ زیرا عباراتی تیزتر و صریح‌تر از این سخن نسبت به پیامبران و حتی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله مشاهده می‌شود که تأویل و توجیهی این‌چنین را بر نمی‌تابند. (ر.ک به: حاقه / ۴۴؛ تحریم / ۱؛ اسراء / ۷۵ و زمر / ۶۵) و اساساً سنخ آیاتی این‌چنین نه لزوماً به‌معنای تهدید بلکه صورتی از تأکید بر مضمون و گونه‌ای از شدت اهتمام بر آن از سوی گوینده است؛ بنابراین پذیرفتنی است که ترکیب براساس ظاهر آیه بر اضافه مصدر به مفعول حمل شود. بدین روی در مرحله نخست، پیامبران و در مرحله بعد و از طریق پیامبران، امت‌های آنان طرف میثاق خداوند قرار می‌گیرند و تهدید مندرج در آیه بعد به گونه فرض، پیامبران را نیز دربر می‌گیرد، (حائری تهرانی، ۱۳۷۷: ۱ / ۲۲۶) نشانه تأکید و شدت اهتمام خدا بر مسئله میثاق است. البته روشن است که در هر امتی، پیامبر یکی است و افراد امت فراوان و چنانچه تهدیدها حمل بر معنای حقیقی هم بشود قانون زبانی و عقلایی تغلیب جریان دارد و از این جهت مشکلی دیده نمی‌شود.

برخی از مفسران موضوع این پیام و پیمان را مسئولیت پیامبران تنها در پیوند با تصدیق و ایمان به آمدن پیامبر آخر الزمان علیه السلام و سپس پیمان از مردم برای ایمان و یاری آن حضرت دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۶۸: ۱ و ۲ / ۴۶۸)

در نگاه نگارنده درنگ در این دست چالش‌ها، زمینه‌ساز دوری از ظهور عرفی آیه می‌گردد و طالب علم را از دریافت والایی‌هایی که در ژرفای آیه نهفته است باز می‌دارد. بدین روی آیه باید بر ظاهر استوار خود حمل گردد و آن اینکه دو سوی میثاق، یکی خداوند است به‌عنوان گیرنده پیمان و سوی دیگر تمامی پیامبران الهی، چه آنکه در یک جا از همه در فضایی که ما را چندان از آن آگاهی نیست، مانند عالم ملکوت ایمن یا جبروت (حسینی عراقی، ۱۳۵۵: ۱ / ۲۳۹) یا عالم «دَرْ» (طیب، بی‌تا: ۳ / ۲۶۶؛ جناب‌ذی، ۱۳۴۴: ۱ / ۲۸۷)^۱ و چه آنکه از هر پیامبری جداگانه همزمان با دریافت سمت پیامبری از سوی خداوند پیمان گرفته باشد؛ زیرا از ظاهر لفظ بر نمی‌آید که خداوند از همه پیامبران در یک زمان و یک مکان پیمان گرفته باشد، (مازندرانی، ۱۴۱۰: ۱ / ۸) عمده سخن، تأمل در راز چنین پیمانی است که باید به درستی فهمیده شود.

اخذ پیمان از پیامبران و امت آنان

حاصل سخن با توجه به ظاهر آیه آن است که خداوند از هر پیامبری، در مرحله نخست از خود وی و سپس به واسطه او از امتش، پیمان گرفته است که چنانچه شما در زمان حیات خود، پیامبری با اوصاف یاد شده در آیه را درک کردید باید بی‌درنگ به وی گرویده به یاری او برخیزید. (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۳ / ۳۶۶) بر این پایه هر پیامبری همواره باید خود را در حال انتظار فرستاده بعدی خدا بداند و امت خود را نیز بدین باور سوق دهد و بدین منوال چراغ انتظار همواره در دل آن پیامبر و امتش تا به آخر روشن می‌ماند؛ خداوند با این فرمان حکیمانه بر آن بوده است که امت‌ها را همیشه در انتظار فضایی بهتر و در تلاش برای آمادگی خدمت در آن فضای ایدئال نگه دارد. حال نوبت این تحلیل می‌رسد که چنین حالتی به فرض تحقق در دل‌ها و روان‌ها چه بر پا می‌کند و در رفتار مردم چه سامانی را به راه می‌اندازد؟! و این ساختار روانی و سامان رفتاری در سلوک تکاملی انسان چه نقشی بازی می‌کند؟ حال، چه انتظار واقعی، روزی به سر آید یا آنکه مرگ میان او و مرادش فاصله اندازد، در هر صورت خود انتظار در نظام حکیمانه الهی جایگاهی بلند دارد؛ زیرا در آماده‌سازی و تحرک انسان‌ها دارای تأثیری

۱. در مورد چند و چون عالم ذر رک به: سید مرتضی، ۱۴۲۸: ۱ / ۵۶ - ۵۴ و نیز: حسینی بهشتی، ۱۳۵۷: ۵۳ - ۴۷.

والاست. البته مصداقی بلکه اتمّ مصادیق این آیه می‌تواند در پیوند با ظهور پیامبر خاتم‌الصلوات^{علیه‌السلام} تحقق یابد، اما مفهوم آن سریان حقیقت انتظار برای تمامی امت‌ها و پیامبران نسبت به مرحله تکامل یافته‌تر و پیشرفته‌تر و شریعت کامل‌تری که پس از آنها باید بیاید، می‌تواند مصداق داشته باشد، بدین روی مفسران بر آن‌اند که در هر صورت، شخصیت مورد انتظار تمامی پیامبران و امت‌ها در همه زمان‌ها حضرت رسول^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} است، چنان که گفته‌اند: «مراد این است که اگر آن انبیا به فرض و تقدیر تا زمان آن حضرت بمانند، باید که ایمان به او بیاورند و ایشان را یاری کنند و قوم خود را نیز به این معنا امر کنند و از ایشان عهد بگیرند. (شریف لاهیجی، ۱۳۴۰: ۱ / ۳۴۴؛ طبرسی، ۱۳۶۸: ۱ و ۲ / ۴۶۸)

دیدگاه مفسران

طبری و دیگران روایتی را از امیرمؤمنان^{علیه‌السلام} نقل کرده‌اند که مضمون آن، مفهوم دقیق و مصداق بارز آیه را به ذهن نزدیک می‌سازد:

... عن ابي ايوب عن علي بن ابي طالب قال: لم يبعث الله عزوجل نبياً آدم فمن بعده
 الا اخذ عليه العهد في محمد لئن بُعثَ و هو حي ليؤمننَّ به و لينصرنَّه و يأمره فيأخذ
 العهد علي قومه فقال: و اذا اخذ الله ميثاق النبيين لما آتيتكم من كتاب و حكمه ...
 الآية. (طبری، ۱۳۹۸: ۳ / ۲۳۶؛ قمی مشهدی، ۱۴۱۰: ۳ / ۱۴۵؛ آلوسی، ۱۴۰۵:
 ۳ / ۲۰۹ - ۲۰۸؛ حائری تهرانی، ۱۳۳۷: ۱ / ۲۶۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۵۲؛
 فیض کاشانی، ۱۳۷۶: ۱ / ۱۵۸)

خداوند هیچ پیامبری را از آدم^{علیه‌السلام} گرفته تا پیامبران بعدی به رسالت مبعوث نکرد، مگر آنکه از او عهد گرفت که اگر در مدت زندگی او آن حضرت مبعوث شد باید به وی ایمان آورده و یاری‌اش کند و به او فرمان داد که بر همین منوال هر پیامبری از قوم خود پیمان بگیرد.

ملاحظه می‌شود که ترکیب «لئن بعث و هو حي» با چنین ساختاری مؤکد، تنها حاکی از خبر دادن ساده نیست، چنان که بعضی احتمال داده‌اند، (شریف لاهیجی، ۱۳۴۰: ۱ / ۳۴۴) بلکه حاکی از لزوم انتظار جدی و آماده‌سازی جهت اقدام لازم در هر لحظه است. همچنین این بیان که گرفتن ميثاق یاری پیامبری که ندیده‌اند، بدین صورت فرض شود که تنها در دل او را تصدیق کنند و به حقانیت وی قرن‌ها پیش از آمدنش اقرار بیاورند؛ (طوسی، ۱۴۳۱: ۲ / ۵۰۴ - ۵۰۳؛ شریف رضی، ۱۳۵۵: ۱۳۶)

زیرا این در واقع معنای یاری کردن نیست و به شدت خلاف ظاهر آیه است. سید رضی در این باره گفته است: مقصود این است که همان پیامبری که شما در کتاب‌های خود یافته و او را شناخته‌اید (شریف رضی، ۱۳۵۵: ۱۳۶) و بدین سان دست از ظهور «رسول» در قالب نکره برداشته و آیه را به گونه‌ای با آیه ۱۵۷ سوره اعراف «الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ...» و آیه ۶ سوره صف «وَمَبْرُورًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ...» از نظر مضمون یکی دانسته است. البته در اینکه از آیات قرآن و گزارش‌هایی که از کتاب‌های عهدین داده می‌شود برمی‌آید که پیامبران گذشته به ظهور پیامبر اسلام ﷺ بشارت می‌داده‌اند، بحثی نیست و کسانی از دیرباز به گردآوری و گزارش آن بشارت‌ها همت گماشته و مجموعه‌های درخوری را سامان داده‌اند.^۱

حتی گفتگوهای میان عالمان دینی و پیروان عهدین در این زمینه‌ها صورت گرفته است که گاهی گزارش اجمالی آنها را می‌توان در نوشته‌های آنان یافت. (ر.ک به: نراقی، ۱۳۶۳: ۱۱۷ - ۱۱۶) اما سخن در این است که چون آیه مورد بحث نه فقط در مقام بشارت بلکه درصدد بیان دمیده شدن روح انتظار و لزوم آمادگی برای وضعیت بهتر در تمامی پیامبران و امت‌های پیشین است، مفهوم آن کلی و فراگیر است؛ یعنی هر پیامبری چنین فرض می‌کند که پیامبر بعدی همان است که بر سر او خداوند از وی میثاق گرفته است و بدین سان در گستره مفاد آیه - به‌ویژه با توجه به نکره بودن رسول - به گونه‌ای ابهام و شمول مفهومی دامن زده شده است که به نوبه خود سازنده است؛ زیرا دریافت تنها مفهوم عظمت از لفظ نکره در اینجا و یا اینکه شدت معروفیت مراد از رسول در این عبارت، مجوز نکره شده باشد - چنان که بعضی گفته‌اند - چندان روشن نیست (حسینی عراقی، ۱۳۵۵: ۱ / ۲۳۹) بلکه معنای مطلق رسالت در مسیر تکاملی نبوت‌ها به صورتی روشن‌تر از این هیئت نکره و افراد فهمیده می‌شود. (طالقانی، ۱۳۵۸: ۵ / ۲۱۵)

سید رضی خود به چنین ابهامی گردن نهاده و گفته است: این سخن خداوند بدین صورت است که مثلاً کسی به دوست مسافرش می‌گوید: اگر من هزینه سفر و مرکب و وسائل مسافرت را پرداختم و تو را تا رسیدن به مقصد کمک کردم، زمانی که کار تو پایان یافت باید متعهد شوی که چون نامه من به تو رسید و در آن کاری از تو خواسته شده بود آن کار را به انجام رسانی؛ پیداست که از چنین قراری بر نمی‌آید که گوینده خبر می‌دهد که آن نامه را خواهد نوشت، بلکه مقصود او آزمون میزان اطاعت‌پذیری مسافر و شتاب و توجه مسافر و آمادگی اوست (ر.ک به: شریف رضی، ۱۳۵۵: ۱۳۵)

۱. مانند کیرانوری، ۱۳۸۴: ۲ / ۴۳۲ - ۳۲۷؛ حسینی تهرانی، بی‌تا: بخش‌های زیادی از آن؛ کاشانی، ۱۳۸۵: ۲۳۳ - ۱۹۸؛ همو، ۱۳۰۹: ۳۲ به بعد؛ نراقی، ۱۳۳۱: ۱۳۰ - ۸۸ و فخرالاسلام، ۱۳۵۱: ۱ / ۱۸ - ۸.

بدین روی مفاد کلی آیه چنین می‌شود که خداوند از پیامبران خود بدین‌گونه پیمان گرفته که هر پیامبری باید به پیامبر پس از خود در صورت درک زمان او ایمان آورد و وی را یاری رساند و همچنین قوم و امت خود را بدین امر سفارش کرده یا فرمان دهد. (حائری تهرانی، ۱۳۳۷: ۲ / ۲۲۴)؛ چراکه همه در یک مسیر قرار دارند و آمدن یکی مستلزم از میان رفتن مرام پیشین نیست و همه در اصول، یکی هستند. (مراغی، ۱۳۹۴: ۱ / ۱۹۹) بر این اساس معنا و پیام آیه لزوم تصدیق پیامبران گذشته از سوی هر پیامبر و لزوم تعهد و انتظار نسبت به پیامبری که پس از وی خواهد آمد، می‌باشد. و این معنای روشن بودن چراغ انتظار و لزوم آمادگی همیشگی برای ورود به وضعیت بهتر و درباستگی پذیرش تعهدات لازم در وضعیت جدید است.

نتیجه

از تأمل در میثاق مندرج در آیه ۸۱ سوره آل عمران چنین به دست می‌آید که جریان پیوسته انتظار در تمامی دوره‌های تاریخ پیامبران الهی، به‌عنوان عاملی حرکت‌آفرین و چراغی روشن فراراه امت‌ها به پشتوانه اراده حکیمانه خداوند در همه نسل‌ها تعبیه شده است. براساس ظهور این آیه شریفه هیچ دوره‌ای نبوده است که فرهنگ جوامع دینی از ایده انتظار آینده‌ای ایدئال و نجات‌بخش به رهبری بزرگی از برگزیدگان خدا خالی باشد؛ از آنجا که در شمار فراوانی از امت‌های پیشین به‌رغم وجود انتظار و پافشاری بر آن، ظهور منجی به وقوع نپیوسته است و با توجه به نقش‌آفرینی حکمت خداوندی در این مسئله، ذهن کاوشگر بدین نتیجه نزدیک می‌شود که حکیم مطلق تکلیف انتظار را به منظور تمرین آمادگی امت‌ها و رشد و کمالی که در نفس انتظار نهفته، تشریع فرموده و از این میثاق سخن گفته است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۰۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۴، النهاية فی غریب الحديث و الاثر، قم، اسماعیلیان.
- ابومسلم اصفهانی، محمد بن بحر، ۱۳۸۸، جامع التأویل لمحكم التنزیل، به کوشش محمود سرمدی، تهران، علمی و فرهنگی.

- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۰۳ ق، *المحججه فيما نزل فی القائم الحجة* ﷺ، تحقیق محمد منیر المیلانی، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- بلاغی، سید عبدالحجه، ۱۳۷۱ ق، *فرهنگ سمات*، تهران، شرکت سهامی طبع کتاب.
- بهشتی، محمد، ۱۳۴۲، *ادیان و مهدویت*، تهران، مؤسسه انتشارات کورش کبیر.
- تهرانی، آقابزرگ، بی تا، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت، دار الاضواء.
- جنابذی، سلطان محمد، ۱۳۴۴، *بیان السعاده فی مقامات العبادۀ*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- حائری تهرانی، میر سید علی، ۱۳۳۷، *مقتنیات الدرر*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- حسینی بهشتی، سید محمد، ۱۳۵۷، *خدا از دیدگاه قرآن*، تهران، بعثت.
- حسینی تهرانی، سید علی، بی تا، *منقول الرضایی*، بی جا، افست چاپ سنگی.
- حسینی تهرانی، سید محمدحسین، ۱۴۰۲ ق، *مهر تابان*، بی جا، باقرالعلوم ﷺ.
- حسینی عراقی، نورالدین، ۱۳۵۵، *القرآن و العقل*، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور.
- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۲، *تاریخ در ترازو*، تهران، امیر کبیر.
- سید مرتضی، علی بن حسین، ۱۴۲۸ ق، *امالی المرتضی*، قم، ذوی القربی.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، مکتبه آیت الله مرعشی.
- شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۳۵۵ ق، *حقایق التأویل فی متشابه التّنزیل*، شرح محمدرضا آل کاشف الغطاء، بیروت، دار المهاجر.
- شریف لاهیجی، بهاء الدین محمد، ۱۳۴۰، *تفسیر شریف لاهیجی*، تصحیح محمدابراهیم آیتی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- صافی، لطف الله، ۱۳۷۳ ق، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، تهران، مکتبه الصدر.
- صافی، محمود، ۱۴۱۱ ق، *الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانہ*، بیروت، دار الرشید.
- طالقانی، سید محمود، ۱۳۴۴، *آینده بشریت از نظر مکتب ما*، تهران، شرکت انتشار.
- _____، ۱۳۵۸، *پرتویی از قرآن*، گردآوری سید محمد مهدی جعفری، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۹ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۸، *جوامع الجامع*، تصحیح ابوالقاسم گرگی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- _____، ۱۳۹۰ ق، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامیه.

- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۲۴ ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، مصر، بولاق.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۳۱ ق، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت، الامیره.
- طبیب، سید عبدالحسین، بی تا، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلامی.
- عسکری، جعفر بن محمد، ۱۳۶۰، المهدی الموعود المنتظر علیه السلام عند علماء اهل السنة و الامامیه، تهران، مؤسسه الامام مهدی علیه السلام.
- علم الهدی، مرتضی، ۱۳۵۳، منتظر جهان و راز طول عمر، تهران، بعثت.
- فخر الاسلام، محمدصادق، ۱۳۵۱، انیس الاعلام فی نصره الاسلام، تنظیم سید عبدالرحیم خلخانی، تهران، مرتضوی.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۳۷۶، الاصفی فی تفسیر القرآن، تحقیق محمدحسین درایتی و محمدرضا نعمتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- قمی مشهدی، محمدرضا، ۱۴۱۰ ق، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاشانی، ملا محمدتقی، ۱۲۸۵ ق، هداية الطالبین در اصول دین، چاپ سنگی، تهران، کارخانه آقامیر محمدباقر طهرانی.
- _____، ۱۳۰۹، هداية الجاحدين، چاپ سنگی، تهران، بی نا.
- کتاب مقدس «عهد عتیق و عهد جدید»، ۲۰۰۲ م، ایلام، بی نا.
- کرینستون، جولوس، ۱۳۷۷، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز ادیان.
- کیرانوری، رحمة الله بن خلیل الرحمن، ۱۳۸۴ ق، اظهار الحق، بیروت، المكتبة المصرية.
- مازندرانی، محمد بن علی بن شهر آشوب، ۱۴۱۰ ق، متشابه القرآن و مختلفه، قم، بیدار.
- مدنی کاشانی، ملا عبدالرسول، ۱۳۱۹، آب حیات در شرح دعای سمات، کاشان، چاپخانه عرفان.
- مراغی، احمد مصطفی، ۱۳۹۴ ق، تفسیر المراغی، بی جا، بی نا.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸، جامعه و تاریخ، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- نراقی، ملا احمد، ۱۳۳۱ ق، سیف الامه، بی جا، چاپ سنگی توسط حاجی میر محمدعلی شبستری.
- نراقی، مولی محمد مهدی، ۱۳۶۳، انیس الموحدين، تصحیح محمدعلی قاضی طباطبایی، تهران، الزهراء.
- هاکس، جیمز، ۱۳۸۳، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر.